

تحلیل تأثیر ایدئولوژی هندوتوا در موضع هندوستان در قبال بحران غزه

*نوذر شفیعی^۱

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۳۰ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۲ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

چکیده

بحران غزه که از اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق افتاد در نوع خود پیچیده‌ترین، طولانی‌ترین و پرتلفات‌ترین بحران میان رژیم صهیونیستی و مقاومت فلسطین بوده است. به همین دلیل، این بحران بازتاب گسترده‌ای در سطح جهان داشته است. بعضی کشورها به‌ویژه آمریکا و انگلیس در کنار اسرائیل قرار گرفتند و بعضی کشورها مثل آفریقای جنوبی در کنار فلسطین ایستاد و تا کشاندن پرونده اسرائیل به دادگاه لاهه به جرم نسل‌کشی هم پیش رفت. موضع دولت هند به نخست‌وزیری ناراندرا مودی در قبال بحران غزه نیز در نوع خود بی‌نظیر بوده است. دولت هند برخلاف سنت رهبران استقلال این کشور که معمولاً از آرمان فلسطین حمایت می‌کردند، در کنار اسرائیل ایستاد. این موضع‌گیری به‌دنبال خود این پرسش را به همراه داشت که چرا دولت مودی چنین موضعی را اتخاذ کرده است؟ یکی از فرضیه‌های مهم در پاسخ به این سوال آن است که قرابت ایدئولوژی هندوتوا به‌عنوان ایدئولوژی دولت راست‌گرای هند و صهیونیسم به‌عنوان ایدئولوژی دولت راست‌گرای اسرائیل در موضع‌گیری مودی نقش برجسته‌ای داشته است. یافته‌های مقاله نیز نشان داده که همسویی دو جناح راست‌گرا در هند و اسرائیل تازگی ندارد و قرابت ایدئولوژیک آنها، در مقاطع تاریخی مختلف، این دو را در کنار یکدیگر قرار داده است.

کلیدواژه‌ها:

هندوتوا، صهیونیسم،
بحران غزه، راست افراطی،
سیاست خارجی.

* نویسنده مسئول:

دکتر نوذر شفیعی
نشانی: دانشکده حقوق و علوم
سیاسی، دانشگاه تهران، تهران،
ایران
پست الکترونیک:
n.shafiee@ase.ui.ac.ir

استناد به این مقاله:

شفیعی، نوذر. (۱۴۰۳). تحلیل تأثیر ایدئولوژی هندوتوا بر موضع هندوستان در قبال بحران غزه. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۶)، ۲۱۰-۱۹۱.

۱. مقدمه

معمولاً دو محیط در سیاست خارجی کشورها تاثیرگذار است: محیط داخلی و محیط خارجی. در هر یک از این دو محیط عوامل مختلفی وجود دارد که به نوبه خود سیاست خارجی کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای مثال در محیط خارجی آنارشی، قطبیت، نظم سیاسی بین‌المللی و ... در سیاست خارجی کشورها تاثیر می‌گذارد. در محیط داخلی نیز نوع ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، وسعت و جمعیت، توانایی نظامی و اقتصادی، ایدئولوژی و ... در سیاست خارجی کشورها تاثیرگذار است. این مقاله روی محیط داخلی و در میان عوامل داخلی بر عامل ایدئولوژی تاکید دارد. ایدئولوژی، درک رهبران از جهان و نظم جهانی را شکل می‌دهد و متاثر از آن در ترجیحات و منافعی که یک سیاستمدار باید در عرصه خارجی دنبال کند تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، ایدئولوژی به عنوان مجموعه‌ای از باورها، چراغ راهنمای سیاست خارجی است.

در هندوستان، هندوتوا یک ایدئولوژی است که باعث قدرت‌گیری راست افراطی در این کشور شده و دولت کنونی حاکم بر این کشور نیز از این ایدئولوژی تغذیه می‌شود. این ایدئولوژی یک قرابت مضیق از ناسیونالیسم در هند ارائه می‌دهد که محور آن آیین هندو است و سایر ادیان و مذاهب در آن جایگاهی ندارند. بدین ترتیب، این ایدئولوژی به دنبال شکل دادن به یک ملت خالص در هند تحت عنوان «راشترا» است. از این رو، هر ایدئولوژی دیگری در جهان که چنین روش و هدفی را دنبال کند می‌تواند همزاد مناسبی برای این تفکر باشد. اینجاست که هندوتوا با ایدئولوژی‌هایی مثل نازیسم و صهیونیسم پیوند می‌خورد.

یکی از مواردی که این ایدئولوژی آثار خود را بر سیاست خارجی هند به نمایش گذاشت بحران غزه است. موضع‌گیری جانبدارانه ناراندرا مودی، نخست‌وزیر هند، در حمایت از اسرائیل و مخالفت با حماس، انعکاس تاثیر هندوتوا در نگرش رهبران حزب بهاراتیا جاناتا در تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور است. از این رو، پرسش اصلی مقاله این است که ایدئولوژی هندوتوا چگونه در جهت‌گیری سیاست خارجی هند در قبال بحران غزه تاثیرگذار بوده است؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده آن است که ایدئولوژی هندوتوا که نسبت نزدیکی به ایدئولوژی صهیونیسم دارد، دولت راست‌گرای هند را وادار به حمایت از اسرائیل در مقابل حماس کرد.

در این مقاله، برای توضیح عمیق‌تر موضوع از نظریه آندرو موراوچیک درباره ساختار

تصمیم‌گیری در کشورها استفاده شده است. موراوچیک در چهارچوب نظریه بازیگر خاص (در مقابل نظریه بازیگر عام) معتقد است سیاست خارجی کشورها حاصل دیدگاه جریان سیاسی است که در آن کشورها قدرت را به دست گرفته‌اند و نه کل جامعه یک کشور. از این منظر، سیاست خارجی هند در قبال بحران غزه، سیاست هندوهای افراطی است که در شکل تسلط حزب بهاراتیا جاناتا (بی‌جی‌پی) خود را نشان داده است و نه کل جامعه هند.

۲. پیشنهاد پژوهش

کتابی و دیگران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روابط استراتژیک هند با اسرائیل و تاثیر آن در جمهوری اسلامی ایران» این پرسش را مطرح کرده‌اند که روابط استراتژیک هند با اسرائیل در سال‌های اخیر چه تاثیری در منافع جمهوری اسلامی ایران در منطقه داشته است؟ در پاسخ به این سوال فرضیه‌ای را که مطرح کرده‌اند عبارت است از: به نظر می‌رسد افزایش ارتباطات هند با اسرائیل در سال‌های اخیر باعث به خطر افتادن منافع ملی ایران در منطقه در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و نظامی به‌ویژه در ارتباط با هند شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که روابط دو کشور هند و اسرائیل در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده و عمده روابط این دو کشور در سال‌های اخیر مربوط می‌شود به همکاری در زمینه‌های نظامی و فروش تجهیزات دفاعی، فروش ماهواره‌های جاسوسی و علمی و فناوری که گسترش این روابط بین دو کشور یادشده باعث شده هند به پایگاه مناسبی برای حضور نیروهای اسرائیلی در منطقه تبدیل شود بنابراین افزایش روابط دو کشور هند و اسرائیل باعث ایجاد فاصله بین هند و ایران و مانع از تحقق اتحاد قوی بین دو کشور شده است.

الکابی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خاورمیانه‌ای هند و اسرائیل؛ از تضاد تا همکاری» معتقد است رابطه هند با رژیم صهیونیستی در شش دهه گذشته فرازونشیب بسیاری را طی کرده است. تا پیش از فروپاشی شوروی و شروع مذاکرات سازش، هند همواره ناقد صریح سیاست‌ها و رفتارهای اسرائیل بود؛ اسرائیل در سیاست خاورمیانه‌ای هند جایگاهی نداشت و دولت‌های مختلف برآمده از گروه‌ها و احزاب متفاوت هندی به دلیل حمایت افکار عمومی از فلسطینیان و لزوم توجه به خواسته‌های اقلیت بانفوذ مسلمان، از برقراری رابطه با اسرائیل اکراه داشتند. شروع روند سازش و تمایل ساف به مذاکره با اسرائیل و نیز سقوط حامی قدیمی هند (شوروی) از مهم‌ترین دلایل برقراری رابطه با اسرائیل به‌شمار می‌رود. این روابط پس از دو

دهه اکنون به بالاترین سطوح خود در سه حوزه سیاسی، نظامی و امنیتی رسیده است.

ساجدی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «گسترش روابط هند و اسرائیل: طرح پیرامونی یا استراتژی اتحاد» معتقد است دو کشور هند و اسرائیل دارای برخی از خصوصیات مشترک مانند نظام پارلمانی و احزاب سیاسی میانه‌رو و تندرو هستند، اما با وجود این خصوصیات حکومت هند برای چهار دهه تمایلی برای ایجاد روابط کامل با اسرائیل نشان نمی‌داد و از فلسطین حمایت می‌کرد، اما تغییرات گسترده در اوایل دهه ۹۰ در صحنه بین‌الملل باعث شد در رابطه هند و اسرائیل تغییری گسترده صورت گیرد، به طوری که در سال ۱۹۹۲، روابط دیپلماتیک بین دو کشور ارتقا یافت و در اندک مدتی همکاری‌های گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف بین دو کشور شکل گرفت، ولی گسترش روابط به معنای استراتژی اتحاد نیست.

علاوه بر سه پژوهش فوق، مطالب دیگری در حد گزارش و خبر روابط هند و اسرائیل را بررسی کرده‌اند. با این حال دو تفاوت اساسی بین این مقاله و پژوهش‌های پیشین وجود دارد. اول اینکه این مقاله به‌طور خاص موضع دولت هند در قبال بحران غزه را بررسی می‌کند که موضوعی تازه قلمداد می‌شود. دوم اینکه تأکید این مقاله بر نقش ایدئولوژی هندوتوا بر موضع‌گیری هند در قبال بحران غزه است که آن هم موضوعی است.

۳. چهارچوب نظری: لیبرالیسم آندرو موراوچیک

دیدگاه موراوچیک درباره سیاست خارجی کشورها را باید در ذیل آن دسته از نظریه‌هایی قرار داد که اصطلاحاً «نظریه بازیگر خاص» خوانده می‌شوند. (Hudson, 2025) نظریه بازیگر خاص، خود در ذیل نظریه لیبرالیسم قرار می‌گیرد که در رقابت با نظریه رئالیسم است که از «بازیگر عام» صحبت می‌کند. (Fearon, 1998) به همان شکل که نظریه رئالیستی بازیگر عام دولت را یک هویت یکپارچه می‌بیند، نظریه لیبرالیستی بازیگر خاص، دولت را واحدی می‌بیند که از اجزای مختلف تشکیل شده است و یک تصمیم در سیاست خارجی را محصول و برآیند اجزای مختلف یک دولت می‌داند. درحالی که نظریه رئالیستی بازیگر عام، دولت‌ها را بازیگرانی خردمند می‌داند که براساس محاسبه سود و زیان عمل می‌کنند و این محاسبه را نیز دقیق می‌دانند، نظریه لیبرالیستی بازیگر خاص معتقد است عقلانیت دولت‌ها مطلق و آرمانی نیست، بلکه محدود و محصور است، زیرا عوامل و شرایط مختلف در تصمیم‌گیری تاثیرگذار است و این عوامل و شرایط همواره ثابت نیست. درنهایت با آنکه نظریه رئالیستی بازیگر عام

منافع ملی کشورها را از پیش روشن و مفروض می‌داند، نظریه لیبرالیستی بازیگر خاص، منافع ملی را نه تنها تابع فرایندها و روندها بلکه تحت تاثیر جریان‌های سیاسی می‌داند که قدرت را در یک کشور به دست می‌گیرند.

موراوچیک به عنوان یک نظریه پرداز بازیگر خاص، عوامل تاثیرگذار در سیاست خارجی کشورها را متأثر از دو محیط داخلی و خارجی می‌داند. از دید وی، در محیط داخلی، دولت نماینده بخشی از جامعه است. این نمایندگی ممکن از زمانی به زمان دیگر تغییر کند. در یک زمان یک حزب با دیدگاه‌های خاص خود و در زمانی دیگر حزبی دیگر با دیدگاه‌هایی دیگر قدرت را به دست می‌گیرد (Moravcsik, 1997) بنابراین از دید موراوچیک برای پی بردن به ماهیت سیاست خارجی یک کشور باید دید چه کسانی به نمایندگی از چه طیفی بر کشور حکومت می‌کنند. با توجه به این دیدگاه، در این مقاله فرض بر آن است که چون حزب بهاراتیا جاناتا تا حد زیادی از نیروهای ملی‌گرای افراطی تشکیل شده که از ایدئولوژی هندوتوا تاثیر می‌گیرند بنابراین موضع‌گیری آن در قبال بحران غزه نیز صرفاً موضع یک طیف از جامع هند است و نه کل جامعه هند.

۳-۱. موضع دولت هند در قبال بحران غزه

برای انطباق نظریه فوق با موضع هند در قبال بحران غزه در ابتدا باید روشن کنیم که اساساً هند به خصوص شخص ناراندرا مودی در قبال بحران غزه چه موضعی اتخاذ کرد. ناراندرا مودی، نخست‌وزیر این کشور، اولین موضع‌گیری هند در قبال بحران غزه را اتخاذ کرد. از قضا این موضع‌گیری زودتر از بسیاری از متحدان اسرائیل و حتی آمریکا اتخاذ شد. مودی، به عنوان یکی از ایدئولوگ‌های هندوتوا، در حساب توئیتری خود نوشت: «هند حمله حماس را محکوم می‌کند و در این ساعت سخت، قاطعانه در کنار اسرائیل ایستاده است.» (Fenton Harvey, 2023: 2) او سپس در تماس با نتانیاهو همین موضع را اتخاذ کرد. در صحن سازمان ملل نیز سفیر هند حمله حماس را تکان‌دهنده خواند و آن را محکوم کرد. هند حتی جزء ۴۴ کشوری بود که به قطعنامه پیشنهادی در سازمان ملل برای آتش‌بس رای ممتنع داد. (Sharma, 2023: 1) وزیر ملی‌گرای افراطی هندو در ایالت مسلمان‌نشین اوتار پرادش نیز دستوراتی را برای سرکوب حامیان فلسطین در این ایالت صادر کرد. (Ramachandaran, 2023: 2) البته اندکی بعد وزیر خارجه هند، تحت تاثیر فشار افکار عمومی ناچار شد موضع هند را تعدیل کند و سخن از

ضرورت اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل از جمله «طرح تشکیل دو دولت» به میان آورد.

در فضای مجازی هند نیز بیشترین اخبار جعلی در سطح جهان در مورد اقدام حماس منتشر شد. گویی نوعی هماهنگی میان اسرائیل و کاربران فضای مجازی در هند به‌ویژه روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی در باره آنچه در غزه می‌گذشت، وجود داشت. همان‌طور که گاردین روشن می‌کند این گزارش‌های جعلی از درگیری اسرائیل و حماس برای پیشبرد همان روایت اسلام‌هراسی است که از زمان روی کار آمدن حزب بهاراتیا جاناتا به‌طور مرتب برای شیطان جلوه دادن جمعیت مسلمان هند مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، ویدئویی‌هایی با این مضمون از شبه‌نظامیان حماس منتشر شد که در آن نوشته بود: «اسرائیل مانند حمله ۲۶ سپتامبر بمبئی در هند مورد حمله قرار گرفته است.» این پست بیش از ۶ هزار بار در X (توییتر سابق) به اشتراک گذاشته شد. یک پست دیگر که در شبکه مجازی زیاد بازنشر شد این بود: «ما در کنار اسرائیل هستیم.» یک کاربر دیگر نوشت: «آنچه امروز در اسرائیل می‌گذرد، در آینده برای هر کشوری که حاضر به تسلیم شدن در برابر تروریسم رادیکال اسلامی نیست، اتفاق خواهد افتاد. هند رنج زیادی را متحمل شده است، به همین دلیل ما باید در کنار اسرائیل بایستیم.» به‌خاطر این اقدامات، گیلون، سفیر اسرائیل در هند، از هند به‌دلیل «حمایت ۱۰۰ درصدی» تشکر کرد. (Ellis-Petersen, 2023: 1-2)

این موضع‌گیری‌ها را عمدتاً کسانی اتخاذ کردند که پیروان هندوتوا هستند و یادآور دیدگاه «سوارکار»، یکی از بنیان‌گذاران «سازمان داوطلبان ملی»^۱ هند است که صهیونیسم را همسو با ایدئولوژی قوم‌گرایانه خود می‌دید. هر دو ایدئولوژی یعنی صهیونیسم و هندوتوا، چنانچه در ادامه خواهیم گفت، ریشه در ایده‌های برتری نژادی، سیاسی‌سازی دین و ساختن ملتی براساس هویتی منحصر به فرد دارند. درحقیقت هم نیروهای سیاسی با گرایش هندوتوا، که در حزب بی‌جی‌پی نمود یافته‌اند، هم فعالان رسانه‌ای و اجتماعی هندوتوا یکصدا به طرفداری از اسرائیل و مخالفت با حماس موضع گرفتند.

برخلاف تفکرات رادیکال فوق، حزب کنگره و احزاب چپ مارکسیست و کمونیست موضع مودی و افراطیون هند را زیر سوال بردند و آن را مغایر سیاست سنتی هند قلمداد کردند. در چهارچوب سیاست سنتی هند، مهاتما گاندی و جواهر لعل نهرو همواره فلسطین را متعلق به

1. Rashtriya Swayamsevak Sangh (RSS)

فلسطینی‌ها می‌دانستند و تشکیل اسرائیل را باج غرب به یهودیان در قبال سرکوب و اخراج آن‌ها از اروپا با هزینه فلسطینی‌ها تلقی می‌کردند. گاندی در سال ۱۹۳۸ گفت: «اینکه اعراب را اخراج و یهودیان را جایگزین آن کنیم جنایت علیه بشریت است. غرب تاوان اخراج یهودیان را با هزینه فلسطینی‌ها پرداخت می‌کند.» نهر و نیز داستان فلسطین را شبیه برخورد استعمار انگلیس با مردم هند دانست و آن را اساساً بخشی از سیاست استعماری بریتانیا قلمداد کرد: «درست به همان شکل که استعمار بریتانیا هندوها و مسلمانان را علیه هم وارد درگیری کرد اکنون یهودیان را علیه فلسطینی‌ها تحریک کرده است.» (Sahu, 2023: 2) در همین حال، هند در سال ۱۹۴۷ طرحی را برای ایجاد یک کشور مستقل فدرال فلسطین (با در نظر داشتن حقوق اساسی برای اقلیت یهودی) پیشنهاد کرد. (Blarel, 2023: 1) به همین دلیل، هند در سال‌های اولیه به تقسیم فلسطین در سازمان ملل رای منفی داد. بعدها نیز ایندیرا گاندی سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به‌عنوان نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخت و مجوز ایجاد دفتر ساف را در دهلی‌نو به‌عنوان سفارت فلسطین صادر کرد. بدین ترتیب، هند اولین کشور غیر عربی بود که سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به‌عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین در سال ۱۹۷۴ به رسمیت شناخت و جزء اولین کشورهایی بود که در سال ۱۹۸۸ کشور فلسطین را به رسمیت شناخت. (Ramachandaran, 2023: 3) موراجی دسای، ناراسیمها رایو و مانموهان سینگ، نخست‌وزیران بعدی هند از حزب کنگره، نیز همواره طرفدار آرمان فلسطین بودند. یکی از دلایل مهمی که رهبران پیشین هند از آرمان فلسطین سخن می‌گفتند این بود که آن‌ها با شکل‌گیری کشور بر پایه دین مخالف بودند و این از تجزیه خشونت‌آمیز هند در سال ۱۹۴۷ و شکل‌گیری کشور پاکستان ناشی می‌شد بنابراین در ارتباط با دولت اسرائیل، آن‌ها نمی‌توانستند دولتی را تأیید کنند که بر پایه دین شکل گرفته است. (Flarel, 2023: 1)

در شرایط جدید نیز حزب کنگره معتقد است موضع دولت مودی نه تنها با سیاست سنتی هند در تعارض است بلکه اساساً پیامدهای منفی برای منافع ملی هند به همراه دارد. برای مثال، در حالی که همه اعضای گروه بریکس اقدامات خشونت‌بار اسرائیل را محکوم کرده‌اند، موضع مودی به سود اسرائیل به جایگاه این کشور در این گروه لطمه می‌زند. (Fenton Harvey, 2023: 2) به‌علاوه حزب کنگره بر این باور است که موضع مودی تلاش هند برای عضویت دائم در شورای امنیت را زیر سوال می‌برد، زیرا افکار عمومی جهان را به این نتیجه می‌رساند که هند در صورت عضویت در شورای امنیت ناعادلانه رفتار خواهد کرد. حتی از دید این حزب،

موضع مودی به اعتبار هند در نزد کشورهای عرب و مسلمان لطمه می‌زند و این جای پای چین را به‌عنوان رقیب هند در این کشورها مستحکم خواهد کرد. در نهایت این حزب معتقد است سیاست مودی پروژه کریدور هند- خاورمیانه- اروپا را در معرض تهدید قرار می‌دهد. در همین حال، احزاب چپ نیز ضمن تأیید دیدگاه حزب کنگره، موضع مودی را همراهی او با امپریالیست‌ها به‌ویژه امپریالیسم آمریکا تلقی کرده و آن را مغایر سیاست اصیل هند در حمایت از «جنوب جهانی» قلمداد کرده‌اند. از دید آن‌ها سیاست مودی به اعتبار تاریخی هند به‌عنوان یک کشور حامی جهان سوم لطمه می‌زند. (Sharma, 2023: 3)

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در هند نسبت به بحران غزه دو دیدگاه شکل گرفته است. یک دیدگاه به رهبری حزب کنگره است که معتقد به توازن و میانه‌روی در سیاست خارجی هند است و دیدگاه دیگر، دیدگاه جناح راست افراطی است که عملاً راه خود را از راه رهبران استقلال هند جدا کرده است. از این رو، با توجه به فرضیه این مقاله، موضع مودی در قبال بحران غزه فقط منعکس‌کننده دیدگاه دوم یعنی بخشی از افکار عمومی هند است و نه همه هند. به عبارت دیگر، موضع مودی موضع هند نیست، بلکه موضع هندوهای افراطی است. اگر چنین نتیجه‌گیری را بپذیریم این سوال پیش می‌آید که اساساً هندوهای افراطی چگونه می‌اندیشند و اندیشه آن‌ها چگونه در موضع دولت هند در قبال بحران غزه تأثیرگذار بوده است؟

۲-۳. هندوتوا به‌عنوان ایدئولوژی دولت مودی

از سال ۲۰۱۴ که مودی از حزب بی‌جی‌پی به قدرت رسید، ایدئولوژی هندوتوا قطب‌نمای سیاست خارجی او بوده است. (Chowdhury, 2022: 3) هندوتوا بخشی از ایدئولوژی هندوهای افراطی است که در اصل مخفف «هندوستان انحصاری» است؛ یعنی یک تعریف مضیق از ناسیونالیسم در هند است که فقط هندوها را شامل می‌شود و مسلمانان و مسیحیان را، که هر یک بخش قابل توجهی از جمعیت هند را تشکیل می‌دهند، شامل نمی‌شود. از این دیدگاه، سایر ادیان مانند سیکس، بودیسم و جینیسم نیز هیچ جایگاه مستقلی در هند نخواهند داشت، اما می‌توانند به‌عنوان بخشی از هندوئیسم تلقی شوند.

تعریفی که هندوتوا از ناسیونالیسم هندی ارائه می‌کند با تعریفی که مهاتما گاندی و حزب کنگره از آن ارائه می‌کنند، متفاوت است. تعریف گاندی شامل یک ناسیونالیسم موسع بود که همه ادیان و مذاهب را در هند شامل می‌شد و به «ملی‌گرایی همه‌جانبه گاندی» معروف بود.

ریشه این تفاوت دیدگاه به سال‌های اولیه مبارزه مردم هند تحت رهبری گاندی (۱۹۴۷-۱۸۶۹) علیه استعمار بریتانیا برمی‌گردد. در آن زمان، بعضی از ناسیونالیست‌های افراطی هندو از اینکه گاندی خواهان یک ملت هندی متشکل از هندوها، مسلمانان، مسیحیان، سیک‌ها و سایر ادیان و آیین‌های موجود در هند است، سرخورده شدند بنابراین در واکنش به این طرز تفکر، آن‌ها در سال ۱۹۲۵ «سازمان داوطلبان ملی» را، که نماد یک برداشت مضیق از ناسیونالیسم هندو بود، تشکیل دادند. کشاو بالیرام هجوار^۲، وینایاک دامودار سوارکار^۳ و مدهاو ساداشیو گلووالکار^۴ از بنیان‌گذاران این سازمان بوده‌اند.

هجوار و همکارانش به شدت ادعا کردند که هند یک کشور انحصاری هندو است. برای آن‌ها دشمنان واقعی هندوستان، حاکمان بریتانیا نبودند، بلکه مسلمانان و مسیحیان بودند، زیرا آن‌ها به ادیان خارجی تعلق داشتند بنابراین سازمان داوطلبان ملی، نشان‌دهنده ناسیونالیسم مبارز هندو است که به‌عنوان هندوتوا^۵ مخالف ملی‌گرایی هندی همه‌جانبه گاندی بود. به گفته برجسته‌ترین ایدئولوگ‌های هندوتوا؛ هندوتوا، هندوئیسم واقعی است و بر این باور است که «هند سرزمین پدری و مقدس هندوهایی است که آریایی هستند، به زبان سانسکریت صحبت می‌کنند و به کاستیسم اعتقاد دارند. بقیه نژادها خارجی هستند و باید فرهنگ و زبان هندو را بپذیرند یا یاد بگیرند به دین هندو احترام بگذارند، نباید هیچ ایده‌ای جز ستایش نژاد و فرهنگ هندو داشته باشند... باید وجود جداگانه خود را از دست بدهند تا در نژاد هندو ادغام شوند، باید بدانند در کشوری زندگی می‌کنند که کاملاً تابع ملت هندو است، نباید ادعایی داشته باشند، مستحق هیچ امتیازی نیستند، نباید هیچ‌گونه رفتار ترجیحی و حتی ادعای حقوق شهروندی داشته باشند.» (Golwalkar, 1939: 48)

گلووالکار در نوشته‌های خود، فصلی طولانی را به «تهدیدات داخلی» اختصاص داده که در آن مسلمانان و مسیحیان به ترتیب به‌عنوان تهدید شماره ۱ و ۲ توصیف شده‌اند. (Golwalkar, 1996: 177) سازمان داوطلبان ملی، برجسته‌ترین پرچمدار سیاست هندوتوا^۵ است که کارهای آن در حال حاضر در قالب حزب بی‌جی‌پی بر هند، بزرگ‌ترین دموکراسی جهان، حکومت می‌کنند. متاخرترین اقداماتی که این جریان فکری، فرهنگی و سیاسی در راستای آرمان

2. Keshav Baliram Hedgewar
3. Vinayak Damodar Savarkar
4. Madhav Sadashivrao Golwalkar

ملی‌گرایانه افراطی خود انجام داده یکی «قانون شهروندی» است که در دسامبر ۲۰۱۹ در پارلمان هند تصویب شد و مسیر شهروندی هند را برای اقلیت‌های مذهبی (هندوها) در سه کشور همسایه با اکثریت مسلمان -افغانستان، بنگلادش و پاکستان- باز کرد. این قانون که با هدف حمایت از هندوها وضع شده است، یادآور «قانون بازگشت اسرائیل» بود که به یهودیان از هر کجای جهان اجازه می‌داد در اسرائیل ساکن شوند و به دنبال شهروندی باشند. (Chowdhury, 2022: 2) دومین اقدام، لغو ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند در ۱۵ اوت ۲۰۱۹ است که مقررات ویژه به همراه امتیازات ویژه را برای ایالت جامو و کشمیر، تنها ایالت با اکثریت مسلمان در هند ارائه می‌کرد. در توصیف آنچه می‌تواند به‌عنوان پیامد لغو ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند قلمداد شود، فرناندو وارن، گزارشگر ویژه در مورد مسائل اقلیت‌ها و احمد شهید، گزارشگر ویژه در مورد آزادی مذهب یا عقیده، در بیانیه‌ای گفته‌اند: «از دست دادن خودمختاری و تحمیل حکومت مستقیم توسط دولت در دهلی‌نو نشان می‌دهد که مردم جامو و کشمیر دیگر دولت خود را ندارند و قدرت وضع قانون یا اصلاح قوانین در منطقه را برای تضمین حمایت از حقوق خود از دست داده‌اند.» (UN, 2021)

۳-۳. نسبت هندوتوا به صهیونیسم

سازمان داوطلبان ملی و کادرهای برجسته آن، که در حال حاضر در هند حکومت می‌کنند، پس از غرب، سرسخت‌ترین حامیان صهیونیسم و اسرائیل هستند. این همراهی از همان ابتدای تاسیس اسرائیل وجود داشته و تاکنون هم ادامه دارد. وقتی در دهه ۱۹۲۰، ایده‌های هرتزل درباره دولت یهود (کتاب «دولت یهودی» که در سال ۱۸۹۶ نگارش شد) ترویج شد و دولت بریتانیا با اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ حمایت خود را از ایجاد «خانه ملی برای مردم یهود» در فلسطین اعلام کرد، سوارکار از آن استقبال کرد: «اگر رویاهای صهیونیست‌ها محقق شود -فلسطین به یک کشور یهودی تبدیل شود- تقریباً به اندازه دوستان یهودی، ما را خوشحال می‌کند.» گلوالکار دومین رهبر سازمان داوطلبان ملی نیز نوشت: «بازسازی فلسطین با جمعیت باستانی آن از یهودیان، زندگی ملی عبری را که عملاً مرده بود، احیا خواهد کرد.» (Shamsulislam, 2022: 4) رئیس کنونی سازمان داوطلبان ملی، موهان باگوات نیز مانند اسلاف خود از کادرهای سازمان می‌خواهد از اسرائیل الگوبرداری کنند تا «در مسیر اسرائیل و درعین حال خدمت به آرمان ملی‌گرایی» قدم بگذارند. (Coastaldigest, 2014: 1)

راست افراطی در هند و اسرائیل، وینایاک دامودار سوارکار و تئودور هرتزل، پدر صهیونیسم سیاسی مدرن، را با هم مقایسه می‌کند و از این معادل‌سازی برای ترویج اتحاد بین صهیونیسم و هندوتوا استفاده می‌کنند. در واقع آن‌ها صهیونیسم و هندوتوا را پسرعموی یکدیگر می‌دانند. شاید براساس طنز تاریخ تنها تفاوت صهیونیسم و هندوتوا این باشد که دومی از طرفداران هیتلر بود و آشکارا ایدئولوژی و روش‌های نازی را تحسین می‌کرد. سوارکار در یک سخنرانی در سال ۱۹۳۸ گفت: «ما چه کسی هستیم که به آلمان، ژاپن، روسیه یا ایتالیا دیکته کنیم که شکل خاصی از سیاست دولت را انتخاب کنند... مطمئناً هیتلر بهتر از پاندیت نهرو می‌داند که چه کاری برای آلمان مناسب‌تر است.» (Chowdhury, 2022: 3) در واقع هیتلر، سوارکار و هرتزل هر سه در زمره راست افراطی قرار می‌گیرند. فقط داستان جنگ جهانی دوم راه هرتزل را از هیتلر جدا کرد. هر سه نژادپرست بودند و آیین و نژاد خود را برتر می‌دانستند.

راهی که امروز ناراندرا مودی، به‌عنوان یکی از رهبران هندوتوا، در قضیه غزه در پیش گرفته همان راهی است که سوارکار در سال ۱۹۵۶ نشان داد: «اگر فردا بین پاکستان و بهارات (هند) جنگی رخ دهد، تقریباً همه مسلمانان در مخالفت با ما در کنار پاکستان قرار می‌گیرند و دشمن آن‌ها اسرائیل تنها دوست ما خواهد بود بنابراین من می‌گویم که بهارات باید اسرائیل را صریحاً به رسمیت بشناسد.» در آگوست ۲۰۱۹، سوبرامانیام سوامی در دانشگاه بمبئی گفت: «صهیونیسم امروز مورد حمله افراط‌گرایان اسلامی است بنابراین هر دو ما باید برای مبارزه با نیروهای ترور اسلامی گرد هم بیاییم.» (Shamsulislam, 2022: 4) شاید اظهارنظر خوشوانت سینگ، نویسنده مشهور هندی، درباره ارتباط صهیونیسم و هندوتوا جمع‌بندی خوبی از علل حمایت مودی از اسرائیل در جنگ غزه باشد: «سازمان داوطلبان ملی از صهیونیسم و دولت یهودی اسرائیل حمایت می‌کند و تنها علت آن جنگ اسرائیل علیه همسایگان عرب خود است که مسلمان هستند.» (Singh, 2007: 3) در مجموع، علاوه بر دیدگاه بنیادی صهیونیسم و هندوتوا درباره برتری نژادی، هر دو مدعی‌اند که می‌خواهند از یک تمدن قدیمی برتر در برابر آسیب و فساد محافظت کنند. این آسیب در شرایط امروزی وجود یک دشمن مشترک به‌نام مسلمانان است. اگر بخواهیم وجوه اشتراک هندوتوا و صهیونیسم را خلاصه برشماریم موارد ذیل قابل ذکرند:

- قوم برگزیده خدا: براساس اعتقادات صهیونیسم، خداوند قوم یهود را به‌عنوان بندگان واقعی

و برای انجام مأموریت اعلام حقیقت او در بین تمام ملل جهان انتخاب کرده است. پرچمداران هندوتوا نیز همین نگرش را دارند. به گفته آنها، هندو تنها دینی در جهان است که شایسته تشریح است... دینی که هر انسان عاقلی ممکن است به عدالت به آن افتخار کند. با هدایت این دین... نژاد هندو، فرهنگی را به وجود آورد که علی‌رغم تماس با تمدن‌های تحقیرشده مسلمانان و اروپایی‌ها در ۱۰ قرن اخیر، هنوز نجیب‌ترین در جهان است (Golwalkar, 1939: 19-40)

- **دین به‌عنوان مبنای ملیت:** هر دو معتقدند که دین عامل تعیین‌کننده ملیت است و هر دو مخالف ملیت‌های فراگیر هستند. این در حالی است که حزب کنگره با توجه به واقعیت جمعیتی هند، از سکولاریسم و ملیت‌های مختلف در هند حمایت و دین را به‌عنوان مبنای تشکیل ملت رد می‌کند.

- **متون مقدس دینی به‌عنوان تاریخ معتبر:** برای صهیونیسم و هندوتوا متون مقدس دینی، تاریخ واقعی را روایت می‌کنند و روایت دیگری غیرقابل قبول است. در هر دو متن دینی، که آنها از آن صحبت می‌کنند، کتاب مقدس یهودیان و هندوها، یهود و هندو را برگزیده‌ترین روی زمین می‌دانند.

- **نسل‌کشی:** صهیونیسم و هندوتوا معتقدند چون قوم برگزیده‌اند قتل دیگران حتی در شکل نسل‌کشی جایز است. به‌عبارت دیگر نسل‌کشی راه را برای ظهور و تسلط قوم برگزیده یعنی تحقق وعده‌های متون مقدس باز می‌کند.

- **شیطان‌سازی مخالفان:** یکی از وجوه مشترک مهم دیگر این دو، شیطان‌سازی مخالفان و آزار و اذیت آنها به‌عنوان یهودستیز و هندوستیز است. در هند هرگونه انتقاد از هندوتوا حمله به هندوئیسم است. از دید راست‌گرایان افراطی هندو، «هندوفوبیا» مجموعه‌ای از نگرش‌ها و رفتارهای متضاد، مخرب و تحقیرآمیز با ساناناتا دارما (هندوئیسم) و هندوهاست.

- **نژادپرستی آشکار:** صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل ممکن است به وحدت الهی یهودیان جهان چنگ بزنند، اما در واقع یهودیان برتر اشکنازی (اروپایی) اسرائیل را اداره می‌کنند. در اسرائیل نفرت از یهودیان سیاه‌پوست آفریقایی، یهودیان سفاردی (یهودیان اسپانیایی‌زبان) و یهودیان میزراحی (یهودیان کشورهای آسیایی و عربی) بسیار آشکار است. در هند نیز هندوهای افراطی با هندوهای تیره‌پوست جنوب کشور به‌عنوان نژاد پست رفتار می‌کنند. (Shamsulislam, 2022: 4)

۳-۴. همکاری صهیونیسم و هندوتوا در عمل

بر پایه آنچه تاکنون گفته شد به نظر می‌رسد بنیاد روابط نزدیک هند با اسرائیل، زیربنای ایدئولوژیک آنهاست. تلاقی ایدئولوژیک بین حزب ملی‌گرای هندو بهاراتیا جاناتا و حزب راست‌گرای لیکود به رهبری بنیامین نتانیاهو، خصومت مشترک آن‌ها با اقلیت‌هاست؛ مسلمانان هندی برای بی‌جی‌پی و شهروندان عرب در اسرائیل برای لیکود. ایدئولوگ‌های هر دو حزب، اکثریت‌گرایی را به حقوق اساسی، که از حقوق اقلیت‌ها محافظت می‌کند، ترجیح می‌دهند. آن‌ها برای توجیه تبعیض خود با کارت قربانی بازی می‌کنند و از تاریخچه دموکراتیک کشورهای خود برای نشان دادن تعهد خود به حفظ حقوق اقلیت‌ها و درعین حال از بین بردن هم‌زمان آن‌ها استفاده می‌کنند. (Motwani, 2025: 2)

به همین دلیل، روزنامه جروزالم‌پست نوشته است که «هرگاه یک دولت از بی‌جی‌پی (حزب بهاراتیا جاناتا؛ زانده سیاسی سازمان داوطلبان ملی) به قدرت برسد، شور و نشاط در روابط هند و اسرائیل به اوج جدیدی می‌رسد. (Mishra, 2019: 2) این دقیقاً به این دلیل است که اساساً رابطه هند و اسرائیل با نخست‌وزیری آتال بهاری واجپایی از حزب بی‌جی‌پی شکوفا شد. در دوره نخست‌وزیری واجپایی، درحالی‌که آزمایش اتمی هند در سال ۱۹۹۸ با محکومیت جهانی مواجه شد، اسرائیل از محکوم کردن آن خودداری کرد. در همین حال، زمانی که واجپایی در طول جنگ کارگیل به کمک نیاز داشت، اسرائیل با تصاویر ماهواره‌ای و هواپیماهای بدون سرنشین به هند کمک کرد. کی‌ال ادوانی معاون نخست‌وزیر هند نیز اولین وزیر هندی بود که در سال ۲۰۰۰ از اسرائیل بازدید کرد و در سال ۲۰۰۳، آریل شارون اولین نخست‌وزیر اسرائیل بود که به هند سفر کرد. در ماه مه همان سال، براجش میشرام مشاور امنیت ملی پیشنهاد کرد که ایالات متحده، هند و اسرائیل یک اتحاد سه‌جانبه برای مبارزه با تروریسم تشکیل دهند. میشرام گفت: «روابط قوی‌تر هند و آمریکا و روابط هند و اسرائیل منطبق طبیعی دارند.» (Mishra, 2019: 2) طبیعی بودن روابط قوی بین آمریکا و هند از تهدید مشترک به‌نام چین و طبیعی بودن روابط قوی بین اسرائیل و هند از تهدید مشترک به‌نام مسلمانان ناشی می‌شود.

از زمانی که مودی از حزب بی‌جی‌پی در انتخابات سال ۲۰۱۴ پیروز شد، سیاست هند تغییر چشمگیری کرد. رهبری جدید بی‌جی‌پی آشکارا دکترین «هندوتوا» را سرلوحه کار خود

قرار داد و از سلطه اکثریت هندوها بر هند بدون توجه به تکثر فرهنگی و دینی موجود در هند حمایت کرد. همان‌گونه که گفته شد تصویب قانون اصلاح شهروندان در هند، که علیه مسلمانان تبعیض قائل می‌شود و اقدامات اجرایی دولت که ازدواج بین ادیان هندو و مسلمان را منع می‌کند و نیز لغو ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند که به کشمیر خودمختاری ویژه اعطا می‌کند، نمونه‌هایی از تغییرات در تابلو سیاسی هند در دوره مودی است. نکته جالب این است که در دوره حکومت حزب لیکود در اسرائیل نیز قوانین مشابهی وضع شد که حقوق اساسی اعراب فلسطینی را به سود یهودیان مصادره کرد. برای مثال، در ژوئیه ۲۰۱۸ در پارلمان اسرائیل «قانون اساسی» تصویب شد که آن را «ملت- دولت قوم یهود» نامیدند و هرگونه اشاره‌ای به اقلیت عرب این کشور کنار گذاشته شد و آن‌ها را بیشتر و بیشتر به حاشیه برد. (Motwani, 2025: 2) بدین ترتیب، تلاقی ایدئولوژیک مودی و نتانیاهو برای خدمت به گروه‌های قومی منتخب در راستای خطوط مذهبی انحصاری، هند و اسرائیل را بیش از پیش به هم نزدیک کرده است.

به همین دلیل اساساً در دوره حکومت مودی روند همکاری بین هند راست‌گرا و اسرائیل شتاب بیشتری گرفته است. دیدار مودی و نتانیاهو که برای اولین بار در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۴ صورت گرفت نقطه عطفی در گسترش همکاری این دو نخست‌وزیر راست افراطی بود. از آن زمان تاکنون، دو نخست‌وزیر همواره در ارتباط نزدیک با یکدیگر بوده‌اند. به نظر می‌رسد علاقه‌ای که نتانیاهو به مودی احساس می‌کند بیشتر از انگیزه اقتدارگرایی مشترک آنهاست. هنگامی که مودی اولین نخست‌وزیر هند شد که در ژوئیه ۲۰۱۷ به اسرائیل سفر کرد، نتانیاهو پروتکل را زیر پا گذاشت و تقریباً در کل سفر در کنار او بود. او در کنار مودی بر مزار تسدور هر تزل رهبر رژیم صهیونیستی ادای احترام کرد.

در دوره حکومت مودی، هند انواع سخت‌افزارهای نظامی را از اسرائیل خرید: عینک‌های دید در شب، هواپیماهای بدون سرنشین نظارتی و مسلح، اسلحه‌های ۱۳۰ میلی متری M-46 و... واردات تسلیحات هند از اسرائیل بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، حدود ۱۷۵ درصد افزایش یافت، اما مودی این رابطه را فراتر از این برده است. چهار ماه پس از سفر وی به اسرائیل، ارتش اسرائیل و هند برای اولین بار تمرینات نظامی مشترکی را به‌عنوان بخشی از رزمایش دوسالانه پرچم آبی اسرائیل انجام دادند و یک گروه ۴۵ نفره هندی، شامل ۱۶ کماندو گارود در تمرینات آموزشی ضد تروریسم با نیروهای ویژه اسرائیل شرکت کرد. این روابط تا آنجا

پیش رفت که مودی در پرتویک «مشارکت استراتژیک»، پروژه پگاسوس را با اسرائیل پیش برد. این مهم در سال ۲۰۲۱ علنی شد. دولت مودی متهم است که این نرم‌افزار جاسوسی (قوی‌ترین سلاح سایبری جهان) ساخت اسرائیل (Couceiro, 2022: 3) را برای آلوده کردن تلفن‌های مخالفان، فعالان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران به‌ویژه کسانی که مخالف هندوتوا هستند، خریده است. (Tharoor, 2023: 2) همچنین استدلال شده است که هند با حمله هوایی بالاکوت، در سال ۲۰۱۹، سعی در تقلید از اسرائیل داشت؛ حمله‌ای که در آن از بمب‌های هوشمند ساخت اسرائیل علیه شبه‌نظامیان جیش محمد استفاده شد. در ژوئن ۲۰۱۹، هند در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به حمایت از اسرائیل رای داد تا یک سازمان حقوق بشر فلسطینی را به‌عنوان ناظر رد کند.

بدین ترتیب، حمایت هند از اسرائیل را می‌توان تا حد زیادی به ملاحظات سیاسی واقعی نسبت داد که ریشه در پیوند صهیونیسم و هندوتوا دارد. از این منظر شاید بی‌دلیل نباشد که اسرائیل بزرگ‌ترین تامین‌کننده تسلیحات هند است. (Fenton Harvey, 2023: 2) در سال‌های اخیر، هند سالانه حدود ۲ میلیارد دلار سلاح از اسرائیل خریده است. (Flarel, 2023: 1) با وجود این، در حالی که همکاری امنیتی و دفاعی زیربنای همکاری آنهاست، روابط تجاری به‌ویژه با حضور روبه‌رشد شرکت‌های نرم‌افزاری هندی در اسرائیل پیشرفت کرده است و علی‌رغم برخی اختلاف‌نظرها در مورد جزئیات، مانند تعداد هندی‌هایی که می‌توانند در اسرائیل کار کنند، مذاکراتی بر سر توافق تجارت آزاد نیز بین آنها انجام شده است.

۳-۵. اسرائیل دروازه ورود هند به آمریکا

تقریباً پس از جنگ سرد، هند تحت حکومت حزب ناسیونالیست بی‌جی‌پی، سیاست رئالیستی را در پیش گرفت که ارتباط با قدرت‌های بزرگ بخش مهمی از آن است. از دید این حزب، هند تا قبل از سال ۲۰۰۰ با گرایش‌های سوسیالیستی خود روی دنده چپ تاریخ خوابیده بود، به همین دلیل، بسیاری از فرصت‌ها را از دست داد بنابراین اکنون باید روی دنده راست تاریخ بخوابد و با دنیای غرب ارتباط قوی‌تری برقرار کند. در میان کشورهای غربی، آمریکا در راس سیاست خارجی هند قرار دارد بنابراین در مسائل مهم بین‌المللی، هند اغلب سیاست همراهی با آمریکا را در پیش می‌گیرد. کواد (پیمان چهارجانبه آمریکا، هند، استرالیا، ژاپن) و پیمان چهارجانبه آمریکا، هند،

اسرائیل و امارات (I2U2) که حوزه مدیترانه، خلیج فارس، اقیانوس هند و اقیانوس آرام را به هم متصل می‌کند، از جمله گام‌هایی است که هند در این زمینه برداشته است. حمایت هند از اسرائیل نیز بخشی از این پروژه قلمداد می‌شود. از این منظر، هند با ایستادن پشت سر اسرائیل به‌طور غیرمستقیم به آمریکا نشان داد که حاضر است در موارد حیاتی پشت سر آمریکا بایستد. این موضع در عین حال می‌تواند اندکی از نگرانی‌های آمریکا از موضع دهلی‌نو در قبال بحران اوکراین بکاهد. هند حمله روسیه به اوکراین را محکوم نکرد و این به دلیل وابستگی تسلیحاتی هند به روسیه و نیاز هند به رای روسیه برای عضویت دائم در شورای امنیت بود. اکنون هند امیدوار است آمریکا با درک موضع هند در قبال بحران اوکراین، موضع هند در قبال بحران غزه را به نوعی جبران موضع این کشور در قبال بحران اوکراین تلقی کند.

با این حال، هنوز هم دهلی‌نو معتقد است طراحی یک رابطه استراتژیک با آمریکا نیازمند تعامل نزدیک با اسرائیل است. به عبارت دیگر، از دید دولت‌های مختلف هند به‌ویژه دولت مودی، اسرائیل دروازه ورود هند به آمریکاست. اگرچه آمریکا از نظر ملاحظات استراتژیک آنقدر به هند نیاز دارد که دهلی‌نو را شریک استراتژیک قلمداد کند کما اینکه هند عضو کواد (همکاری آمریکا، ژاپن، هند، استرالیا) است؛ همکاری لابی‌های اسرائیلی و هندی در توسعه این مناسبات نقش مهمی دارند. دو لابی مهم هند که در آمریکا فعال‌اند عبارت‌اند از: بنیاد هندو آمریکایی و بنیاد هندو سویامسواک سینگ (بازوی بین‌المللی سازمان داوطلبان ملی). این دو گروه ارتباطات تنگاتنگی با دو لابی یهودی فعال در آمریکا، یعنی کمیته یهودیان آمریکا و ایپاک، دارند. در همین حال، این گروه‌های یهودی نسلی از لابی‌ها و حامیان هندو را آموزش داده‌اند و در نشست‌های مشترک راهبردهایی برای همکاری اسرائیل و هند ارائه می‌کنند و در عین حال یک جریان ثابت از توصیه‌های غیررسمی را نیز به دولت آمریکا ارائه می‌دهند. ضمن اینکه لابی‌های یهودی مذکور زمینه ارتباط مستمر بین مقامات آمریکا و لابی‌های هندی و نیز زمینه ملاقات لابی‌های هندی با دولت و عوامل نظامی اسرائیل را تسهیل کرده‌اند. (Nevatia, 2023: 4) مجموعه این تلاش‌ها علاوه بر اینکه به توسعه مناسبات آمریکا و هند و مناسبات هند و اسرائیل کمک کرده، در عمل موجب شکل‌گیری نهادهایی مثل پیمان مشترک هند، آمریکا، اسرائیل و امارات متحده عربی موسوم به I2U2 شده است.

۴. نتیجه گیری

این مقاله با بهره‌گیری از نظریه موراوچیک درباره ساختار تصمیم‌گیری، سیاست خارجی کشورها را حاصل دیدگاه جناحی می‌داند که قدرت را در یک کشور در دست دارد. اگرچه ممکن است عوامل مختلفی در جهت‌گیری سیاست خارجی جناح حاکم در یک کشور تاثیر داشته باشد؛ بدون شک ایدئولوژی یکی از این عوامل است. در این مقاله نشان داده شد که چگونه ایدئولوژی هندوتوا در جهت‌گیری سیاست خارجی دولت راست‌گرای هند در حمایت از اسرائیل در بحران غزه نقش داشته است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که بین ایدئولوژی هندوتوا و صهیونیسم ارتباط نزدیکی وجود دارد و همین زیربنای ایدئولوژیک، دولت راست‌گرای بی‌جی‌پی تحت نخست‌وزیری مودی و دولت راست‌گرای لیکود تحت رهبری نتانیاهورا به هم نزدیک کرده است. حمایت مودی از اسرائیل در بحران غزه انعکاس این نزدیکی ایدئولوژیک قلمداد می‌شود. در تفکر پیروان هندوتوا، تلاش اسرائیل برای ایجاد یک دولت قومی یهود در میان مسلمانان دقیقاً شبیه به تلاش ناسیونالیست‌های افراطی هندو برای ایجاد یک «ملت هندو» یا «راشترا» در میان همسایگان مسلمان جنوب آسیاست. آن‌ها همچنین جنگ اسرائیل علیه گروه‌های مقاومت فلسطین با محوریت ایران را شبیه جنگ هند علیه گروه‌های مبارز کشمیری با مرکزیت پاکستان می‌دانند. به علاوه، آن‌ها تلاش اسرائیل برای اسکان یهودیان در سرزمین فلسطین را شبیه تلاش دولت هند برای اسکان هندوها در سرزمین‌های مسلمان‌نشین از جمله کشمیر قلمداد می‌کنند و در نهایت برخورد اسرائیل با فلسطینی‌ها را شبیه برخورد دولت هند با کشمیری‌ها می‌دانند. در مجموع و به تعبیر زیگموند باومن نظریه پرداز لهستانی، هندوهای افراطی و صهیونیست‌ها، هر دو سیاست «دولت باغبان» را اجرا می‌کنند؛ یعنی هر دو در پی حذف هر آن چیزی هستند که در مسیر تشکیل ملت یهود یا ملت هندو ممانعت ایجاد می‌کند. از این منظر، می‌توان گفت موضع‌گیری ناراندرا مودی در بحران غزه، که در شکل حمایت از اسرائیل و مخالفت با حماس خود را نشان داد، فقط موضع ناسیونالیست‌های افراطی هند است و نه کل جامعه هند.

References

- Al-Rakabi, Mohammad Javad (2013). Middle East policy of India and Israel; from conflict to cooperation, World Studies Quarterly, Vol. 1, No. 2, PP. 73-99. **[In persian]**
- Blarel, Nicolas (2023). How India Became Pro-Israel. Time. <https://time.com/6336217/india-modi-pro-israel/>
- Choudhury, Angshuman (2023). Unpacking the Hindutva Embrace of Israel, thewire. <https://thewire.in/world/hindutva-israel-tweets-palestine-conflict>.
- Chowdhury, kavita (2022). India's Hindutva Proponents and Zionist Israel: Strange Bedfellows, thediplomat. <https://thediplomat.com/2022/12/india-as-hindutva-proponents-and-zionist-israel-strange-bedfellows/>
- Coastaldigest (2014). RSS Chief Mohan Bhagwat advocates Israel model nationalism, coastaldigest. <http://www.coastaldigest.com/rss-chief-mohan-bhagwat-advocates-israel-model-nationalism?page=24>.
- Couceiro, Cristiana (2022). The battle for The World Most Powerful Syberweapon, The New York Times. <https://www.nytimes.com/2022/01/28/magazine/nso-group-israel-spyware.html>.
- Ellis-Petersen, Hannah (2023). India takes strong pro-Israel stance under Modi in a departure from the past, the guardian. <https://www.theguardian.com/world/2023/oct/31/india-pro-israel-narendra-modi-bjp-government>
- Golwalkar, MS (1939). We or Our Nation Defined, Nagpur.
- Golwalkar, MS (1996). Bunch of Thoughts , Sahitya Sindhu, Bangalore.
- Hudson, Valerie (2025). Foreign policy analysis: Actor specific theory and grounded international relation, Foreign policy analysis, 1, PP. 1-30. https://edisciplinas.usp.br/pluginfile.php/331946/mod_resource/content/1/Hudson-2005-Foreign_Policy_Analysis.pdf

- Fenton Harvey, Jonhatan (2023). Why India has embraced Israel amid the Gaza war, newarab. Analysis <https://www.newarab.com/analysis/why-india-has-embraced-israel-amid-gaza-war>.
- Fearon, James D.(1998). Domestic politics, Foreign policy and Theories of international relation, Annual Review of Political Science, Vol. 1, PP. 289-313 <https://doi.org/10.1146/annurev.polisci.1.1.289>.
- Ketabi, Mahmoud; Dehghan, Yadullah; Kazemi, Mehdi (2012). Review of India's strategic relations with Israel and its impact on the Islamic Republic of Iran, Political and International Research Quarterly, Vol. 5, No. 15, PP. 1-17. **[In persian]**
- Mishra,Devsena (2019). Rashtria Swayamesvak Sangh (RSS) and its Views on Israel, The Jerusalem Post. <https://www.jpost.com/opinion/rashtriya-swayamsevak-sangh-rss-and-its-views-on-israel-598435>.
- Moravcsik, Andrew (1997). Taking Preferences Seriously: A Liberal Theory of International Politics. **International Organization**. 51 (4). PP. 513-53. <https://www.princeton.edu/~amoravcs/library/preferences.pdf>
- Motwani, Mishank (2023). Change and continuity in India's relations with Israel and Palestine, Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/change-and-continuity-indias-relations-israel-and-palestine>.
- Nevatia, Shereevatsa (2023). Why Zionism rules the hearts of Hindutva acolytes, thehindu. <https://frontline.thehindu.com/politics/why-zionism-rules-the-hearts-of-hindutva-acolytes/article67637346.ece>. Ramachandaran,Sudha(2023)" India's Modi Voices Solidarity With Israel After Hamas Attack, thediplomat. <https://thediplomat.com/2023/10/indias-modi-voices-solidarity-with-israel-after-hamas-attack/#:~:text=%E2%80%9CWe%20stand%20in%20solidarity%20with,their%20families%2C%E2%80%9D%20he%20tweeted>.
- Sahu.S.N (2023). Rooting for Israel, Not a Good Word About Palestine: Modi Is Upending Indian Foreign Policy, thewire. <https://thewire.in/diplomacy/>

rooting-for-israel-not-a-good-word-about-palestine-modi-is-upending-indian-foreign-policy.

Sajedi, Amir (2013). Expanding India-Israel Relations: Peripheral Plan or Alliance Strategy, Political Science, Vol. 8, No. 21, PP.57-84. **[In persian]**

Shamsulislam (2022). Hindutva & Zionism As Natural Allies Pose Great Danger to Multicultural World, gaurilankeshnews. <https://gaurilankeshnews.com/hindutva-zionism-as-natural-allies-pose-great-danger-to-multicultural-world/>

Sharma, Kiran (2023). India's response to Israel-Hamas war sparks political fight at home, asianikkei. <https://asia.nikkei.com/Politics/Israel-Hamas-war/India-s-response-to-Israel-Hamas-war-sparks-political-fight-at-home>.

Singh, Khushwant (2007). Faith of The Bigot, telegraph india. <https://www.telegraphindia.com/opinion/faith-of-the-bigot/cid/1026785>.

Tharoor, Shashi (2023). India, Gaza, and the Drift from Non-Alignment, projectsyndicate. <https://www.project-syndicate.org/commentary/india-response-to-israel-hamas-war-foreign-policy-shift-away-from-nonalignment-by-shashi-tharoor-2023-11>

UN (2021). Global perspective Human stories, United Nation. <https://news.un.org/fa/story/1085112/02/2021>.